



## بررسی شرایط و آثار تغییر دعوای مدنی در حقوق ایران

میثم رامشی\*  
علی بلوچیان\*\*

### چکیده

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حقوقی را برای خواهان در نظر گرفته است که تا پایان جلسه اول دادرسی می تواند آن را اعمال کند. این حقوق به عنوان تغییر دعوای تعبیر می شوند. تغییر نحوه دعوای خواسته یا درخواست در صورتی که با دعوای طرح شده هم منشأ و مرتبط باشد و تا جلسه اول دادرسی اعلام شود امکان پذیر است. تغییر دعوای در مفهوم عام ماده ۹۸ آثاری بر دعوای طرفین آن می گذارد. از یک سو ممکن است اعمال حقوق مندرج در این ماده در صورتی که به نحوی باشد که اصل تناظر اقتضاء کند، موجب شود دعوای در جریان دادرسی، با تاخیر رسیدگی شود و یا جلسه رسیدگی تجدید شود و از سوی دیگر طرفین باید به آنچه تغییر یافته ملتزم باشند.

### واژگان کلیدی:

تغییر دعوای، درخواست، خواسته، سبب، خواهان.



## مقدمه

اجرای صحیح قواعد آیین دادرسی مدنی در گرو تمسک به اصولی<sup>۱</sup> است. که به آنها اصول راهبردی دادرسی می گویند.<sup>۲</sup> اصل غیر قابل تغییر بودن و دور از دسترس بودن دعوا از جمله این اصول است. برخی مجموعه‌ای به نام اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مطرح می کنند و سه عنوان؛ «اصول تضمین کننده دادرسی منصفانه با رعایت برابری اصحاب دعوا»، «اصول مربوط به نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی» و «اصل حق دفاع و اصل تناظر» را در نظر می گیرند.<sup>۳</sup> در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حقوقی برای خواهان در نظر گرفته شده است. ممکن است بعد از اینکه دادخواست تقدیم گردید، در مورد بخشی از مطالب آن نظر خواهان عوض شده باشد و قصد داشته باشد آنها را تغییر دهد. برخی از این ایرادات قابل تغییر نیستند و اگر بخواهد آنها را اصلاح کند باید دادخواست را مسترد نماید و دادخواست دیگری بدهد که به معنی پرداخت دوباره هزینه دادرسی است. اما برخی از اصلاحات بدون نیاز به طرح مجدد دادخواست قابل اعمال است، از جمله تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی که با دعوای طرح شده هم منشأ و مرتبط باشد و تا جلسه اول دادرسی اعلام شود امکان پذیر است. به عنوان مثال تغییر دعوای عین مستأجره به سبب تغییر شغل اقامه گردیده و خواهان تا پایان جلسه اول نیاز شخصی را سبب تخلیه همان عین اعلام می کند. لازم به ذکر است که دکتربین آیین دادرسی مدنی را عقیده بر این است که؛ مفهوم «تا پایان اولین جلسه دادرسی» مقطعی از دادرسی است که از تاریخ تقدیم دادخواست شروع شده و تا هر زمان که جلسه اول دادرسی خاتمه نیافته باشد ادامه می یابد.<sup>۴</sup>

لذا از مهمترین حقوق خواهان تغییر دعواست. بررسی شرایط و آثار آن بر دادرسی و طرفین آن هدف اصلی این مقاله است.

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۵؛ محسنی، حسن، مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی، نشریه کانون وکلا، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره صد و نود دوم و صد و نود و سوم، ص. ۱۰۰.

۲. فرد، محمد و محسنی، حسن، اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا، نشریه کانون وکلا، پاییز ۱۳۸۴، صد و نود، ص ۵۴.

۳. پوراستاد دکتر مجید، اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی (ترجمه)، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۹؛ همچنین رجوع شود به: جعفریتبار، حسن، مبانی تفسیر فلسفی حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص. ۲۱۸ به بعد

۴. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۰. جهت مطالعه بیشتر در خصوص اصول راهبردی دادرسی و مصادیق آن رجوع شود به: غمامی، مجید و محسنی، حسن، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶؛ حائری شاه باغ، سید علی، اصول آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات معرفت، چاپ اول، ۱۳۳۴، ص. ۶۹.



## ۱- مفهوم تغییر دعوا و مقایسه آن با مفاهیم مشابه

واژه «دعوی» ریشه عربی دارد دعوا در لغت به معنی خواستن، ادعا کردن، ادعاء، نزاع و دادخواهی است.<sup>۵</sup> همچنین گفته شده دعوی در لغت اسم مصدر در ادعا و از ریشه دعو به معنی خواهانی، خواسته شده، طرح دعوا، خواستار شدن و طلب می باشد.<sup>۶</sup> ارائه تعریفی دقیق از دعوا و مفهوم آن، بی شک در تجزیه و تحلیل مقررات قانونی اهمیت بنیادین دارد.<sup>۷</sup> در قانون برای دعوا تعریفی نیامده، ولی برخی، دعوا را عملی دانسته اند که برای تثبیت حقی صورت می گیرد.<sup>۸</sup> برخی نیز می گویند «دعوا عبارت از حق گفتگو بر سر صحت یا عدم صحت یک ادعا در دادگاه می باشد».<sup>۹</sup> همچنین گفته شده «دعوا، ادعای شخصی است علیه شخصی دیگر نزد حاکم».<sup>۱۰</sup> برخی دیگر نیز گفته اند دعوا در اصطلاح حقوقی عبارت است از عملی که برای تثبیت حقی صورت می گیرد، یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد.<sup>۱۱</sup> در حقیقت دعوا خواستن چیزی بر اساس منازعه است.<sup>۱۲</sup> همچنین گفته شده دعوا عبارت است از «اخبار به حقی به نفع خود و به زبان دیگری که نتیجه آن عملی است که با آن شخص اثبات حقی را علیه غیر، نزد مقام صالح قصد می کند».<sup>۱۳</sup> با توجه به این تعاریف می توان گفت دعوا عملی است که برای اجرای حقی که مورد تجاوز یا انکار واقع شده است، انجام می گیرد.

### ۱-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی تغییر دعوا

تغییر در لغت به معنای گردانیدن، دیگر کردن، گردش، دیگرگونی و... به کار رفته است.<sup>۱۴</sup> دعوا نیز در لغت به معنی خواستن، ادعا کردن، ادعاء، نزاع و دادخواهی است.<sup>۱۵</sup> پس تغییر دعوا در لغت به معنای دگرگون کردن خواسته یا ادعا می باشد. قانون آیین دادرسی مدنی بدون اینکه از تغییر دعوا تعریفی ارائه دهد در ماده ۹۸ بیان

۵. عمید، حسن، همان منبع، ص. ۶۴۸.

۶. سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲، ص. ۵۷.

۷. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دراک، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۴.

۸. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد سیزدهم، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ص. ۲۰۶.

۹. صدر زاده افشار، سید محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص. ۲۱ و ۲۲.

۱۰. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه.ق، ص. ۶۲۷.

۱۱. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد، چاپ سی ام، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۹.

۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۷، ص. ۳۹۰.

۱۳. کریمی، عباس، جزوه درسی آیین دادرسی مدنی ۲، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۷، ص. ۷.

۱۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نشر فرهنگ نما، چاپ هفتم، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۲.

۱۵. عمید، حسن، منبع پیشین، ص. ۶۴۸.



می کند «خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن و یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوای طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد». تغییر نحوه دعوا مانند اینکه مالک ابتدا دعوای تخلیه عین مستاجر به علت تغییرشغل اقامه کند اما تا پایان اولین جلسه سبب را به نیاز شخصی تغییر دهد.<sup>۱۶</sup> تغییر نحوه دعوی عبارتی مبهم است. آنچه این ابهام را بیشتر دامن می زند قید کلمه غیرحقوقی «نحوه» است؛ به درستی مشخص نیست که نحوه دعوی چیست و چه چیزی تغییر در نحوه آن محسوب می شود؟<sup>۱۷</sup>

## ۲-۱- مقایسه مفاهیم مشابه با تغییر دعوا

### ۲-۱-۱- تغییر دعوا و تغییر سبب

سبب در لغت به معنی دست آویز، علت، وسیله، طریق، منوال و... به کار رفته است.<sup>۱۸</sup> منظور از سبب دعوا مبنا یا هدفی است که براساس آن اقدام به رسیدگی می شود. به نظر می آید که تغییر نحوه دعوی به معنای تغییر در سبب یا منشأ دعوی باشد. چنانکه می دانیم هر دعوایی دارای منشأ یا سبب خاص خود است. بند ۴ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان را مکلف نموده که منشأ یا سبب استحقاق خود را در دادخواست صریحاً ذکر نماید. درباره تعریف سبب، اختلاف نظر وجود دارد:<sup>۱۹</sup> بعضی آن را عمل یا واقعه ای حقوقی می دانند که مبنا و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می دهد و بعضی هم به مستند قانونی حق موضوع دعوی یا عملی که حق مدعی به از آن ناشی شده، سبب گفته اند.<sup>۲۰</sup> اگر تغییر نحوه دعوی را تغییر در سبب آن بدانیم، اولاً ضابطه روشن و حقوقی برای توضیح و بیان این عبارت و تفاوت آن با تغییر خواسته به دست داده ایم، ثانیاً به خواهان اجازه می دهیم که در حدود ماده ۹۸، عندالاقضاء سبب دعوی خود را تغییر داده و از طرح مجدد دعوایی دیگر پرهیز شود.<sup>۲۱</sup>

### ۲-۱-۲- تغییر دعوا و تغییر خواسته

خواسته صفت مفعولی از بن ماضی «خواست» به اضافه (ه) و از مصدر خواستن است<sup>۲۲</sup> و از نظر حقوقی به معنای مدعی به و یا آن خواسته به معنای اعم امری معنوی

۱۶. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲.

۱۷. مولودی، محمد، دعوای اضافی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۱، شماره پنجاه و هشتم، ص. ۲۸۷.

۱۸. معین، همان منبع، ص. ۵۹۱.

۱۹. کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، تهران: نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۶.

۲۰. مولودی، همان منبع، ص. ۲۸۸.

۲۱. همان.

۲۲. معین، همان منبع، ص. ۴۶۸.



و درونی است و زمانی تجلی حقوقی می یابد که در قالب دادخواست مطرح گردد.<sup>۲۳</sup> نگاه گذرا به قانون آیین دادرسی مدنی نشانگر آن است که اگر خواسته ای در دادخواست یا درخواست تصریح شده باشد می توان آن را کاهش یا افزایش داد و یا در نحوه ی دعوا یا خواسته یا درخواست تغییراتی ایجاد کرد. برخی معتقدند منظور از تغییر خواسته، تغییر موضوع دعوی با حفظ منشأ و سبب آن است، یعنی منشأ دعوی اصلی و اضافی واحد بوده و تنها موضوع آنها تغییر پیدا می کند؛ مانند وقتی که خواسته اولیه خواهان مطالبه عین مال است و سپس آن را به پرداخت قیمت تغییر می دهد.<sup>۲۴</sup>

### ۳-۲-۱- تغییر دعوا و تغییر درخواست

درخواست مصدر مرکب از درخواستن و به معنی استدعا کردن و خواهش کردن است.<sup>۲۵</sup> درخواست نیز به مانند دادخواست به صورت کتبی و شفاهی تنظیم می گردد. دادخواست وسیله ای برای ظهور و بروز خواسته خواهان است و به وسیله آن است که خواهان طرف خود را به دادرسی در دادگاه دعوت می کند. در ماده ۹۸، قانون گذار خواسته و درخواست را جداگانه مطرح کرده، همچنان که در ماده ۵۱ نیز در بحث از شرایط دادخواست، این دو را از هم تفکیک نموده و در بند ۳ از تعیین خواسته و در بند ۵ از «آنچه خواهان از دادگاه درخواست دارد» سخن گفته است. پاره ای از نویسندگان هم آنها را دارای دو مفهوم متفاوت دانسته و گفته اند: منظور از خواسته، موضوع اصلی اختلاف و منظور از درخواست امور فرعی یا متفرعات دعوی مثل مطالبه اجور یا خسارات دادرسی یا تأمین خواسته و از این قبیل است.<sup>۲۶</sup>

### ۴-۲-۱- تغییر دعوا و دعوی اضافی

در مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص دعوی اضافی بر خلاف دیگر دعاوی طاری (متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) بایی که به احکام و آثار آن پرداخته باشد اختصاص نیافته است. این دعوا از جهت کلمه ای اضافی دارای دو معنای عام و خاص (اصطلاحی) است. معنای عام آن شامل هرگونه تغییر در ارکان اساسی دعوا، خواسته و یا علت دعوا است که در حقیقت تحت عنوان تغییرات دعوا شناخته می شود. در معنای اصطلاحی به دعویابی اطلاق می شود که خواهان خواسته جدیدی را با تقدیم دادخواست به دعوی اصلی نظر به ارتباطی که با آن دارد ضمیمه می کند.<sup>۲۷</sup> با این توضیح می توان گفت،

۲۳. احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات اطلس، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص. ۷۲.

۲۴. مولودی، همان منبع، ص. ۲۸۹.

۲۵. معین، همان منبع، ص. ۴۸۷.

۲۶. مولودی، همان منبع، ص. ۲۸۹.

۲۷. امامی، محمد و دریائی، رضا؛ کربلانی آقازاده، مصطفی، دعوی اضافی، مجله مطالعات حقوقی، ۱۳۹۲، دوره پنجم، شماره سوم، ص. ۲.



دعوی اضافی دعوایی است که خواهان علیه خواننده مطرح نموده و طی آن خواسته خود را افزایش می دهد که تحت لوای دعاوی طاری موضوع ماده ۱۷ قرار می گیرد که با موارد مندرج در ماده ۹۸ تفاوت دارد.

## ۲- شرایط تغییر دعوا

در حقوق ایران، منظور از تغییر دعوا آن است که مدعی در اثنای دادرسی خواسته خود را اضافه نماید یا کم کند و یا تغییر دهد و یا در نحوه دعوا تغییراتی بدهد. به این موارد باید دعوی تقابل را هم اضافه کرد، چرا که مدعی علیه که متقابلاً اقامه دعوا کرده نیز موجب حدوث تغییر دعوا در دعوی اصلی می گردد.<sup>۲۸</sup> حال به بررسی شرایط تغییر دعوی مدنی خواهیم پرداخت.

### ۱-۲- ضرورت اقدام تا اولین جلسه دادرسی

جلسه در لغت به معنی نوعی نشست، مجمع و اجتماع جمعی از مردم برای انجام امری یا شنیدن نطقی با داشتن یک رئیس است.<sup>۲۹</sup> از نظر اصطلاحی جلسه دارای تعریف قانونی نمی باشد و مستفاد از مواد دادرسی مدنی اینکه جلسه عبارت است از یک وضع قانونی که دست کم قائم به وجود دادرسی (یا قائم مقام قانونی او که متصدی جلسه است) و مسبوق به تشریفات مخصوص قانونی است.<sup>۳۰</sup> دادرسی نیز در لغت به معنی محاکمه، قضاء و رسیدگی به دادخواهی و اجرای قانون و عدالت می باشد.<sup>۳۱</sup> دکتر شمس معتقدند دادرسی در معنای اعم «رسیدگی مراجع قضایی به درخواست خواهان، در جهت صدور رای با لحاظ پاسخی می باشد که طرف مقابل عندالاقضاء مطرح می نماید. بنابراین دادرسی شامل دسته ای از اعمال می شود که در برهه زمانی مشخصی انجام و از درخواست شروع شده و تا صدور رای ادامه می یابد».<sup>۳۲</sup> برخی دیگر نیز گفته اند «مجموعه اقدامات دادگاه در بررسی دعوا و استماع اظهارات و مدافعات و ملاحظه لویایح طرفین و رسیدگی به دلایل و مستندات آنان و نیز انجام تحقیقات لازم به منظور مهیا کردن پرونده ای برای صدور رأی و قطع و بخش دعوا را دادرسی یا محاکمه

۲۸. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۳.

۲۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد پنجم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ص. ۶۸۷۵.

۳۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، تهران: گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۵، ص. ۹. جهت اطلاع بیشتر پیرامون جلسه دادرسی و ویژگی های آن جوع شود به: حکیمی تهرانی، محمد مهدی، باز کاوی جلسه دادرسی و مفاهیم مشابه آن در قوانین، نشریه دانش پژوهان دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۸، شماره پانزدهم، ص. ۹۹.

۳۱. دهخدا، همان منبع، ص. ۸۹۹۶.

۳۲. شمس، عبدالله، همان منبع، ص. ۱۱۲.



گویند<sup>۳۳</sup>. دادرسی به دو نوع عادی و استثنایی تقسیم می‌شود<sup>۳۴</sup> و دادرسی استثنایی خود به دو گروه دادرسی اختصاری و دادرسی فوری تقسیم می‌شود.<sup>۳۵</sup>

### ۱-۲- تعریف اولین جلسه دادرسی

در قانون جلسه اول دادرسی تعریف نشده است، اما نویسندگان حقوقی و بعضاً در برخی از آراء تعاریفی ارایه شده است؛ به عنوان مثال گفته شده «اولین جلسه دادرسی آن چنان جلسه ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد و اگر به جهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود، جلسه یا جلسات بعدی، جلسه اول محسوب نمی‌گردد»<sup>۳۶</sup> همچنین گفته شده «اولین جلسه دادرسی زمانی است که وقت رسیدگی به خواهان و خوانده ابلاغ و رسیدگی شروع شده باشد و اگر جلسه برای ابلاغ وقت رسیدگی به طرفین یا یکی از آن‌ها تجدید شود، اولین جلسه رسیدگی محسوب نمی‌شود»<sup>۳۷</sup>. بنابراین، اگر پس از تقدیم دادخواست و دعوت اصحاب دعوا، جلسه دادگاه تشکیل نشود یا خوانده فرصت دفاع پیدا نکند، جلسه اول محسوب نخواهد شد؛ مثلاً اگر تمام وقت جلسه صرف اظهارات خواهان شود و خوانده نتواند پاسخ دهد یا پاسخ خوانده طولانی شود و وقت جلسه برای تکمیل آن کافی نباشد و ناتمام بماند، جلسه بعدی که برای شنیدن ادامه دفاعیات خوانده تشکیل می‌شود، ادامه اولین جلسه دادرسی خواهد بود.<sup>۳۸</sup>

### ۲-۱-۲- مفهوم «نا» در عبارت «تا اولین جلسه دادرسی»

مقنن در خصوص ظرف زمانی حقوق و تکالیف اصحاب دعوا سه نوع عبارت به کار برده است. گاهی تصریح کرده که حقوق و تکالیف باید «در اولین جلسه دادرسی» اعمال شود.<sup>۳۹</sup> و گاهی تصریح بر این دارد که اعمال حقوق و تکالیف بایستی «تا پایان اولین

۳۳. بهشتی، محمدجواد و مردانی، نادر، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۸۱.

۳۴. دادرسی عادی، دادرسی استثنایی است که اساس کار دادگاه بر تبادل لوائح قرار داده شده است و جلسه رسیدگی از نظر اهمیت موضوع در درجهی دوم قرار دارد. به عبارت دیگر هر وقت بخواهیم دادخواست را در جریان رسیدگی قرار بدهیم باید متوسل به دادرسی عادی شویم مگر اینکه قانون برای آن دعوا یا دادگاهی که در مقام رسیدگی است نوع دیگری از دادرسی را پیش بینی کرده باشد. دادرسی استثنایی، دادرسی است که بنا بر موضوع دعوی، که از اهمیت کمتری برخوردار بوده یا با سرعت و فوریت ملازمه داشته است، انجام می‌گیرد. دادرسی استثنایی به دو نوع دادرسی اختصاری و دادرسی فوری تقسیم می‌شود.

۳۵. مدنی، سیدجلال الدین، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳۸۰؛ واحدی، قدت الله، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸.

۳۶. حکم اصراری هیات عمومی تمیز شماره ۳۰۳۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۳ به نقل از: متولی، عباس، اولین جلسه دادرسی، ماهنامه دادرسی، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، شماره دوازدهم، ص ۶۲.

۳۷. نظریه شماره ۷/۵۰۱۵-۱۳۸۱/۶/۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۳۸. همان منبع، ص ۱۲۶.

۳۹. ماده ۱۳۶ ق.آ.د.م: محکوم علیه غیابی در صورتی که بخواهد در خواست جلب شخص ثالث را بنماید، باید دادخواست جلب را با دادخواست اعتراض توأماً به دفتر دادگاه تسلیم کند، معترض علیه نیز حق دارد در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب شخص ثالث را تقدیم دادگاه نماید.



جلسه دادرسی» صورت گیرد.<sup>۴۰</sup> و همین طور گاهاً بیان داشته که حقوق و تکالیف باید «تا اولین جلسه دادرسی» انجام بگیرد.<sup>۴۱</sup> به نظر می رسد قانونگذار از این تنوع استعمال منظوری داشته و سهو قلم نبوده است. ابهام موجود در اصطلاح مزبور زمینه تفسیرهای مختلفی را ایجاد نموده است.

در مورد عبارت «در اولین جلسه» قطعاً منظور این بوده که اعمال حق یا تکلیف فقط در روز اول دادرسی باید صورت گیرد و تردیدی نیست که روز قبل یا بعد از اولین جلسه منظور نبوده و تخلف از آن ضمانت اجرا خواهد داشت و در حقیقت «در» به معنای حصر می باشد. در خصوص عبارت «تا پایان اولین جلسه» نیز وضعیت روشن است، با این وصف که حق یا تکلیف صرفاً از یک طرف محدودیت دارد؛ یعنی قبل از اولین جلسه پذیرفته می شود، ولی پس از اولین جلسه دادرسی دارای ضمانت اجرای عدم پذیرش است. اما بحث در مورد تصریح «تا اولین جلسه» می باشد. سؤال این است که آیا در این عبارت خود جلسه اول را نیز شامل می شود؟ (در این نوع نیز روزهای قبل از اولین جلسه داخل در حکم است، ولی مناقشه در خود روز اول است). با توضیحی که در پی خواهد آمد مسأله روشن می شود.

«تا» دارای دو مفهوم است:

- ۱- تا به معنای «قبل از، پیش از»: با توجه به این معنا، آنچه بدو متبادر به ذهن است، اینکه اصحاب دعوی باید تا قبل از جلسه اول مبادرت به اعمال حقوق و تکالیف نمایند. به عنوان مثال، قبل از جلسه روز اول اقدام به استرداد دادخواست نمایند. اگر این را بپذیریم، ما در عبارت «تا اولین جلسه دادرسی» نفس روز اول دادرسی را خارج ساخته ایم. در این فرض «تا» مترادف «قبل از و پیش از» می باشد.
- ۲- تا به معنای «تا پایان»: (ما می خواهیم با بیان یک استدلال، مخالف تبادر به ذهن فوق را اثبات کنیم). یکی از مفاهیم مورد بحث در علم اصول، غایت می باشد. غایت به معنای انتها و در فارسی «تا» می باشد. مثل اینکه گفته شود، خواننده باید تا اولین جلسه دادرسی اقدام به ایراد نماید. در این مثال مدت اجرای حکم، اعمال ایراد تا اولین جلسه می باشد. در مورد اجرای این حکم و ظرف زمان آن سه فرض متصور است:

الف) اجرای حکم در روزهای قبل از جلسه: در این خصوص چون تصریح صورت

۴۰. ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م: دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خوانده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را در خواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود.

۴۱. بند الف ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م: خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید.



گرفته و حکم مزبور آن را صراحتاً معین کرده لازم به توضیح نمی باشد. پس خواننده قطعاً می تواند در صورت امکان قبل از اولین جلسه اقدام به ایراد نماید.

ب) اجرای حکم در روزهای بعد از اولین جلسه: اینکه آیا خواننده می تواند بعد از اولین جلسه دادرسی اقدام به ایراد نماید، علمای اصول در این مورد متفق القول نیستند. مشهور معتقدند حکم به ماوراء غایت سرایت نمی کند و برای این کار نیاز به قرینه می باشد.<sup>۴۲</sup> یعنی حکم ایراد کردن یا نکردن خواننده در بعد از اولین جلسه مشکوک است و با توجه به قرینه وارده می توان گفت که؛ می تواند یا نمی تواند.

ج) اجرای حکم در خود اولین جلسه دادرسی: آنچه در بالا بیان شد مربوط به قبل و بعد از اولین جلسه بود. اما اینکه آیا غایت (اولین جلسه) خود دارای حکم مذکور در قضیه است یا نه! موضوع فرض سوم می باشد. این بحث در اصول با عنوان اینکه غایت در مغیا می باشد یا نه مطرح شده است. «مغیا چیزی است که قانون برای آن غایت قرار داده باشد».<sup>۴۳</sup> به عبارت دیگر حق یا حکمی را گویند که دارای غایت باشد. حال آیا اولین جلسه (غایت) مشمول حکم (مغیا) می باشد یا نه؟ در اصول در این مسأله اختلاف است و راه حل جامع و عامی پیدا نشده است. «صاحب کفایه معتقد است که چون غایت حد معینی است، لذا حکم از آن خارج است و آنچه بر خلاف این باشد به واسطه قرینه است».<sup>۴۴</sup>

با توجه به اینکه بررسی نظرات اصولی موجود در این زمینه نیازمند نوشتاری دیگر است و در این مقال نمی گنجد، و از قواعد اصولی نیز نمی توان برای تعیین اینکه آیا اولین جلسه نیز داخل در مغیا، یعنی شامل حکم حقوق و تکالیف، می باشد یا نه؟ استفاده نمود و در هر مورد باید به کمک قرائن خاص یا با استفاده از قواعد عام حکم مسأله را استنباط کنیم؛ لذا برای اینکه بتوانیم حکم موضوع را در مورد اولین جلسه دادرسی نیز مجری بدانیم به دلایل دیگر رجوع کنیم. برخی از این دلایل عبارتند از: از آنجا که ما در مورد امری در گذشته یقین داشته ایم، یعنی یقین داریم که تا قبل از اولین جلسه حقوق و تکالیف برای اصحاب دعوا مترتب است، اما در بقای آن در زمان لاحق تردید داریم. در اینجا حقوق و تکالیف را در زمان لاحق استصحاب می کنیم. لذا اصحاب دعوا با توجه به آنچه در فرض اول گفته شد، قبل از اولین جلسه دارای حقوق و تکالیف بوده اند و تا زمانی که دلایلی بر انتفای حقوق و تکالیف مزبور در جلسه اول ارائه نشده، کماکان حقوق و تکالیف مزبور در اولین جلسه قابل

۴۲. محقق داماد، سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، تهران: انتشارات اندیشه های نو، چاپ ششم، ۱۳۶۹، ص. ۷۵.

۴۳. لنگرودی، همان، ص ۶۷۳.

۴۴. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۰، ص. ۸۰.



اعمال خواهد بود.

وجود قرینه ای بر امکان اعمال حقوق و تکالیف در اولین جلسه دادرسی، اگرچه بدو از حرف «تا» چنین متبادر به ذهن است که اصحاب دعوا قبل از ورود به اولین جلسه باید حقوق و تکالیف خود را اعمال کرده باشند و این امر در ماده ۲۲۸ قانون سابق مشتبّه بوده، ولی در ماده بعدی همین قانون تصریح کرده بود که «اگر خواننده دعوای متقابل را در اولین جلسه دادرسی اقامه نماید...» و این قرینه ای بود بر اینکه اصحاب دعوا می توانستند در اولین جلسه دادرسی دعوای متقابل که از حقوق خواننده است را اقامه نمایند. در تأیید این نظر، تنظیم مقررات مربوط به دعوای متقابل در قانون جدید آیین دادرسی مدنی است<sup>۴۵</sup> که تصریح کرده دعوای متقابل تا پایان اولین جلسه دادرسی قابل اعمال است؛ یعنی عبارت «تا اولین جلسه دادرسی» به صورت «تا پایان اولین جلسه دادرسی» اصلاح شده است. اگر این استدلال پذیرفته شود، حرف «تا» مترادف حرف «قبل از» نبوده، بلکه به معنای «تا پایان» می باشد؛ و هر گاه بیان شد که «تا پایان جلسه دادرسی» اصحاب دعوا می توانند حقوق و تکالیف خود را تا پایان اولین جلسه دادرسی اعمال نمایند.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می رسد باید قائل بر این نظر بود که هرچند ابتدای مهلت مزبور زمان تقدیم دادخواست است، لیکن در خصوص تعیین پایان مهلت ممکن است آن را تا قبل از تشکیل اولین جلسه دادرسی دانست یا اولین اقدام دینفع در جلسه اول را نیز بر آن افزود. به علاوه ممکن است مهلت «تا اولین جلسه دادرسی» را تا پایان جلسه مزبور توسعه داد. با توجه به اشکالات سایر نظرات، به نظر می رسد باید با رویه قضایی همراه شده،<sup>۴۶</sup> مهلت «تا اولین جلسه دادرسی» را دارای حقیقتی قانونی دانست که مقطع زمانی از تاریخ تقدیم دادخواست تا پایان اولین جلسه دادرسی را در بر می گیرد.

## ۲-۲- ارتباط و وحدت منشاء با دعوای اصلی

### ۱-۲-۲- ارتباط در منشاء

مرتبط در لغت به معنی چیزی که به دیگری ربط دارد و پیوسته می باشد.<sup>۴۷</sup> منظور از ارتباط کامل بین دو دعوا طبق ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م، این است که اتخاذ تصمیم در

۴۵. ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م: دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوای متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خواننده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تاخیر جلسه را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود.

۴۶. نشست قضات دادگستری آمل؛ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳. به نقل از: مسیحی، مهرزاد، قانون آیین دادرسی مدنی در آیینه آرا و رویه قضایی، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۰.

۴۷. معین، همان منبع، ص. ۹۹۲.



هر یک مؤثر در دیگری می باشد. این فرمولی است که قانون آیین دادرسی مدنی در مبحث دعوی متقابل اتخاذ کرده و می تواند در سایر مباحث از جمله در ایراد مطرح بودن دعوی مرتبط در دادگاه دیگر مورد استفاده واقع شود. البته باید دانست که قانونگذار علاوه بر تعیین ضابطه ارتباط کامل برای تجمیع دعاوی، ضابطه «متحد المنشأ بودن» دعاوی را نیز برای طرح و تجمیع این دعاوی پذیرفته است و بدین ترتیب چون می توان متحد المنشأ بودن را حداقلی از ارتباط دعاوی دانست شاید بتوان نتیجه گرفت که به هر حال آنچه که مورد نظر قانونگذار برای تجمیع دعاوی بوده مسأله ارتباط داشتن این دعاوی است.

بر اساس حکم شماره ۱۴۷۷۵/۳۷۷-۱۷/۲/۲۴، دیوانعالی کشور مراد از ارتباط کامل بین دو دعوی این است که صدور رأی در یکی از آن دو دعوی موجب بی نیازی از انشاء رأی در مورد دعوی دیگر باشد یا اثبات یکی از آن دو دعوی موجب اثبات یا رد دعوی دیگر گردد. بنابراین دعوی شوهر در بازگشت زن به خانه شوهر با دعوی مطالبه طلاق از طرف زن دارای این نوع ارتباط نیست زیرا محکوم شدن زن به آمدن به خانه شوهر یا محکوم شدن به بی حقی در مطالبه بازگشت زن به هیچ یک مانع از جریان مطالبه طلاق یا موجب سلب حق مقرر در ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی از زن محسوب نمی شود و در هر دو صورت ممکن است در حدود قانون زن مستحق مطالبه طلاق شناخته شود.<sup>۴۸</sup>

### ۲-۲-۲- وحدت در منشأ

گفته شد که منظور از منشأ یا سبب دعوا رابطه حقوقی مشخصی است که بر عمل یا واقعه ای حقوقی یا قانون مبتنی بوده و براساس آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند. همچنین دعوی خوانده ممکن است با دعوی اصلی دارای منشأ واحد نباشد، اما با آن ارتباط کامل داشته باشد. این دعوی خوانده با وجود سایر شرایط متقابل است. زیرا با دعوی اصلی ارتباط کامل دارد.<sup>۴۹</sup>

ممکن است از قسمت ذیل ماده ۱۴۱ چنین استنباط شود که ارتباط کامل دو دعوا و ناشی شدن آنها از یک منشأ، یک چیز باشند، زیرا گرچه در صدور ماده، این دو، جداگانه بیان شده اند اما در ذیل ماده فقط معنای ارتباط کامل بیان شده و اشاره به معنای «ناشی از یک منشأ» نشده است. این استنباط، صحیح نیست بلکه قانونگذار به دلیل وضوح معنای ناشی از یک منشأ بودن آن را بیان نکرده و به دلیل ابهام در معنای ارتباط کامل داشتن، آن را توضیح داده است. وحدت منشأ و ارتباط کامل دو مقوله جدا از هم می باشد که نمی توان آن دو را واحد قلمداد نمود و در اعمال حقوق مندرج در

۴۸. همان.

۴۹. شمس، همان منبع، جلد اول، ص ۴۸۰.



ماده ۹۸ وجود هر دو شرط ضروری است.<sup>۵۰</sup>

### ۳- آثار تغییر دعوا

تغییر دعوا در مفهوم عام ماده ۹۸ یا در روال رسیدگی موثر است یا در زوال آن. همچنین پس از تغییر دعوا طرفین آن باید به شرایط و آثار تغییرات صورت گرفته ملتزم باشند. در مواردی اصل تناظر اقتضا می کند که این تغییرات به خوانده ابلاغ شود.

#### ۳-۱- آثار تغییر دعوا در جریان و پایان رسیدگی

گاهی برخی اتفاقات در جریان دادرسی حادث می شود که موجب می شود دعوی در جریان دادرسی، با تأخیر رسیدگی شود و یا جلسه رسیدگی تجدید شود. در این قسمت اثر تغییر دعوا در تجدید جلسه و تأخیر جلسه را مورد بررسی قرار می دهیم. باید توجه نمود، در مواردی که کلاً امکان برگزاری جلسه وجود ندارد و عدم برگزاری آن منتسب به عدم حضور طرفین نباشد، تأخیر جلسه اتفاق می افتد و گویی فرصت جلسه اول هنوز باقی است. تأخیر جلسه از حیث تشریفات مانند تجدید جلسه است و لذا به عنوان مثال، در صورت تأخیر باید وقت جلسه بعدی به اصحاب دعوا اعلام شود.

#### ۳-۱-۱- تأثیر تغییر دعوا در جریان رسیدگی

##### ۳-۱-۱-۱- تجدید جلسه

پس از تقدیم دادخواست و متعاقب آن ابلاغ وقت دادرسی به طرفین، در اولین جلسه دادرسی این امکان وجود دارد که برای اصحاب دعوی یا وکلای آن ها و یا قاضی و یا برای روند رسیدگی، شرایطی به وجود آید که تجدید جلسه دادرسی غیر قابل اجتناب باشد. جهات تجدید جلسه عبارتند از: تجدید جلسه با تراضی طرفین،<sup>۵۱</sup> تجدید جلسه دادرسی به علت معذور بودن یکی از اصحاب دعوی،<sup>۵۲</sup> تجدید جلسه به علت عذر وکیل<sup>۵۳</sup> و فراهم نبودن موجبات دادرسی. حال باتوجه به آثار ویژه اولین جلسه دادرسی از حیث حقوق و تکالیف اصحاب دعوی، این سؤال مطرح می شود که اگر جلسه تجدید شده جلسه اول بوده باشد آیا حقوق و تکالیف خاص جلسه اول، در جلسه بعدی قابل اعمال خواهد بود؟ به نظر می رسد در کلیه مواردی که جلسه دادرسی تجدید می شود، جلسه بعدی دارای همان عنوان خواهد بود که جلسه تجدید شده داشته باشد. بنابراین حقوق و تکالیف جلسه اول تجدید شده، در جلسه ی بعدی قابل اعمال می باشد. ولی از حیث برخی آثار

۵۰. زراعت، عباس، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۱.

۵۱. نک: ماده ۹۹ ق.آ.د.م.

۵۲. نک: مواد ۹۶، ۹۷، ۱۰۶ و ۴۱ ق.آ.د.م.

۵۳. نک: مواد ۳۱ به بعد ق.آ.د.م.



جلسه بعدی در حکم جلسه دوم می باشد. مثلاً هرگاه جلسه دادرسی به توافق تجدید شده باشد، عدم حضور خوانده در جلسه بعدی موجب اطلاق دادرسی غیابی نخواهد شد. بنابراین، جلسه ای که به توافق تجدید شده جلسه قانونی بوده به جز عنوان جلسه اول، عنوان دیگری ندارد.<sup>۵۴</sup> پس اصحاب دعوی می توانند در جلسه بعدی از حقوق و تکالیف خاص جلسه اول بهره مند شوند.

با توجه به مباحث مطرح شده در خصوص موارد تجدید جلسه رسیدگی در دادرسی های مدنی، در خصوص تأثیر اعمال حقوق مندرج در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی بر تجدید جلسه رسیدگی نیز می توان گفت اعمال حقوق مذکور در صورتی که به نحوی باشد که اصل تناظر اقتضاء کند جلسه دادرسی تجدید شود، می بایست این تجدید جلسه صورت گیرد؛ به عنوان مثال خوانده در جلسه اول غایب باشد و خواهان سبب دعوا را تغییر دهد.

### ۲-۱-۱-۳- تأخیر جلسه

قانونگذار در قانون جدید در موادی عبارت «تأخیر جلسه» را به کار برده است و در برخی مواد نیز اصطلاح تجدید جلسه را در همان مفهوم تأخیر جلسه آورده است. این عنوان تمام مواردی را در بر می گیرد که علی رغم فراهم بودن موجبات مقدماتی رسیدگی، دادگاه نمی تواند به دستور جلسه حتی جزئاً رسیدگی نماید.

تأخیر جلسه دو دلیل می تواند داشته باشد؛ ۱- کلاً نیاز به تأخیر جلسه باشد. در فرضی که جلسه اصلی دادرسی به دلایلی برگزار نشود، تأخیر جلسه مطرح می شود. به عنوان مثال توافق اصحاب دعوا مبنی بر تأخیر جلسه مطابق ماده ۹۹<sup>۵۵</sup> و حدوث مانع برای رسیدگی به نحوی که چاره ای جز تأخیر جلسه نباشد، مطابق ماده ۴۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی. ۲- جزئاً نیاز به تأخیر جلسه باشد. گاه به دلیل اتفاقی که حین برگزاری جلسه رخ می دهد، دادگاه مجبور به تأخیر جلسه می شود، مانند ماده ۱۴۳ در خصوص دعوی متقابل.<sup>۵۶</sup>

با توجه به امر که اصل بر عدم تجدید و عدم تأخیر جلسه دادرسی است، و با لحاظ عدم تصریح قانونگذار به تأخیر جلسه در صورت اعمال حقوق مندرج در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، در نگاه نخست تأخیر جلسه در صورت اعمال این حقوق مخالف اصل و لذا قابل اعمال نیست، اما به نظر می رسد در مواردی رعایت اصل تناظر و انصاف

۵۴. جعفری لنگرودی، همان منبع، ص ۱۱

۵۵. ماده ۹۹ ق.آ.د.م: دادگاه میتواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر بیندازد  
۵۶. ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م: دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خوانده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود.



و عدالت اقتضای تأخیر جلسه دادرسی می نماید ناگزیر می بایست تأخیر جلسه را پذیرفت.

### ۲-۱-۳- تأثیر تغییر دعوا در پایان رسیدگی

ممکن است خواهان در مقام اعمال حقوق مندرج در ماده ۹۸، در مقام تغییر نحوه دعوی خود سببی را اعلام کند که رسیدگی به آن سبب، خود مستلزم تشریفات باشد که آن تشریفات در سبب اول لازم نبوده است. به عنوان مثال، در دعوی تخلیه به سبب تغییر شغل، خواهان در مهلت قانونی سبب دعوی خود را ندادن اجاره بها اعلام می نماید. رسیدگی به دعوی تخلیه به سبب ندادن اجاره بها مستلزم ارسال قبلی اظهار نامه برای مستأجر است و چون با این تغییر، دعوی فاقد این تشریفات قانونی است لذا به محض اعلام سبب، ختم رسیدگی اعلام و رای صادر خواهد شد، زیرا سببی به عنوان سبب دعوی اعلام شده که مطابق بند ۹ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ مستلزم ارسال اظهارنامه برای مستأجر بوده است و اگر در زمان تقدیم دادخواست تخلیه به این سبب نیز، اظهارنامه ضمیمه دادخواست نبود دعوا باید رد می شد، در این فرض هم که سبب دعوی تغییر می کند باید دعوی خواهان رد شود.<sup>۵۷</sup> لذا، تغییر نحوه دعوا ممکن است تحت شرایطی باعث شود که دادگاه نتواند به سبب جدید رسیدگی کند و چاره ای جز صدور قرار رد یا عدم استماع دعوا نباشد.

### ۲-۳- التزام به شرایط و آثار دعوی جدید

#### ۱-۲-۳- پرداخت ما به التفاوت هزینه دادرسی

پس از پذیرش افزایش خواسته، خواهان باید مابه التفاوت هزینه دادرسی به میزان افزایش یافته را در مهلت مقرر پرداخت نماید. مطابق بند ۱ ماده ۵۳، در صورتی که به دادخواست و پیوست های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده یا هزینه یاد شده تأدیه نشده باشد، دادخواست توقیف می شود. در این صورت نیز دفتر دادگاه باید به صدور اخطار رفع نقص اقدام نماید و میزان هزینه دادرسی را که دادخواست دهنده باید در موعد قانون پرداخت کند مشخص نماید.<sup>۵۸</sup>

حال در صورتی که خواهان، از پرداخت مابه التفاوت هزینه دادرسی امتناع کند، از یک سو می توان گفت با توجه به ظاهر ماده ۵۴ دفتر دادگاه اخطار رفع نقص صادر می کند و در صورتی که خواهان ظرف مهلت ۱۰ روزه رفع نقص نکند، مدیر دفتر یا جانشین او، فقط به نسبت افزایش یافته، قرار رد دادخواست را صادر می کند. از دیگر سو می توان گفت قاضی به صرف عدم پرداخت مابه التفاوت هزینه دادرسی، می تواند نسبت

۵۷. مهاجری، علی، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، تهران: نشر فکر سازان، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۳.

۵۸. شمس، همان منبع، ص. ۵۶.



به میزان افزایش خواسته، قرار رد دادخواست صادر نماید و لزومی به صدور اخطار نیست. همچنین ممکن است گفته شود بر مبنای اینکه شرط رسیدگی در ماهیت نسبت به افزایش خواسته، پرداخت هزینه دادرسی است و چون هزینه دادرسی پرداخت نشده است، لذا موجبی برای رسیدگی در قسمت افزوده شده نیست و خواسته همان خواسته اولیه تلقی خواهد شد، بدون اینکه لزومی به صدور اخطار و قرار رد درخواست باشد. پذیرش نظر اول مطابق با ظاهر قانون و ماده ۵۴ می باشد. بنابراین، در صورتی که خواهان اقدام به افزایش خواسته نمود، دادگاه جهت پرداخت مابه التفاوت هزینه دادرسی پس از افزایش خواسته، برای او اخطار رفع نقص صادر و در صورتی که خواهان ظرف مهلت ۱۰ روزه رفع نقص نکند، مدیر دفتر یا جانشین او، فقط به نسبت افزایش یافته، قرار رد دادخواست را صادر می کند و در صورت فراهم بودن موجبات رسیدگی، دعوا را بر مبنای خواسته اولیه (خواسته مذکور در دادخواست قبل از افزایش آن) مورد رسیدگی قرار می دهد.<sup>۵۹</sup>

در خصوص کاهش خواسته نیز همانگونه که گفتیم با توجه به صراحت قانون، خواهان می تواند خواسته خود را در تمام مراحل دادرسی کم کند. کاهش خواسته در صورتی که قبل از پرداخت هزینه دادرسی باشد، هزینه دادرسی به میزان کاهش یافته تعلق می گیرد، اما در صورتی که خواهان پس از پرداخت هزینه دادرسی اقدام به کاهش خواسته نماید، به نظر می رسد که امکان استرداد هزینه دادرسی پرداخت شده وجود ندارد، زیرا کاهش خواسته یک اقدام اختیاری برای خواهان است و مطابق قاعده اقدام، آثار این کاهش بر او تحمیل می شود.<sup>۶۰</sup>

### ۲-۳-۲- قابلیت شکایت بر مبنای خواسته جدید

پس از تغییر خواسته (افزایش یا کاهش خواسته)، خواسته جدید ملاک قابلیت شکایت از رأی (تجدیدنظر خواهی) خواهد بود. لذا اگر به عنوان مثال، خواسته به قدری کاهش یابد که بهای کمتر از ۳ میلیون ریال باشد، امکان تجدیدنظرخواهی از رأی که در چنین دعوی صادر می شود، منتفی خواهد بود.<sup>۶۱</sup>

اگر تغییر نحوه دعوا در ماده ۹۸ را به تغییر سبب تفسیر کنیم، تغییر سبب نیز باعث می شود که خواهان به تمامی آثار سبب جدید ملتزم شود. بنابراین اگر به عنوان مثال، سبب دعوا از بیع به قرض تغییر یابد، خواهان می بایست برای اثبات قرض تلاش نماید. به عبارت دیگر، با تغییر سبب، دادگاه سبب سابق را کاملاً نادیده می گیرد به نحوی که گویی سبب سابق هیچ گاه مطرح نشده است.

۵۹. مهاجری، همان، ص ۱۳۵

۶۰. همان.

۶۱. همان.



در پایان ذکر این نکته خالی از فایده نیست که، در مواردی که درخواستی به صورت مستقل به دادگاه تقدیم و خواهان پس از شروع رسیدگی توسط دادگاه، درخواست تغییر آن را مطرح می کند، آیا چنین درخواستی قابل پذیرش خواهد بود یا خیر؟ در پاسخ برخی از اساتید بیان داشته اند که ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به بند ۵ ماده ۵۱ آن قانون، یعنی درخواستی است که در ضمن دادخواست دعوی اصلی مطرح شده است؛ زیرا به موجب این ماده تغییر درخواست اولاً تا پایان جلسه اول دادرسی ممکن دانسته شده و ثانیاً ذیل ماده ۹۸ صریحاً به ضرورت ارتباط تغییر درخواست با دعوی مطروحه اشاره دارد. بنابراین بدون وجود دعوی اصلی، تغییر درخواست ممکن نخواهد بود. به عنوان مثال، درخواست دستور موقت قبل از طرح دعوی اصلی، قابل تغییر به درخواست تأمین دلیل نخواهد بود.<sup>۶۲</sup>



## نتیجه گیری

قانون آیین دادرسی مدنی بدون اینکه از تغییر دعوا تعریفی ارائه دهد در ماده ۹۸ بیان می کند خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن و یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. اعمال حقوق مندرج در ماده مذکور مشروط بر این است که دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه تقاضا شود.

تغییر دعوا در مفهوم عام ماده ۹۸ آثاری بر دعوا و طرفین آن می گذارد. از یک سو ممکن است اعمال حقوق مندرج در این ماده در صورتی که به نحوی باشد که اصل تناظر اقتضاء کند، موجب شود دعوی در جریان دادرسی، با تأخیر رسیدگی شود و یا جلسه رسیدگی تجدید شود. باید توجه نمود، در مواردی که کلاً امکان برگزاری جلسه وجود ندارد و عدم برگزاری آن منتسب به عدم حضور طرفین نباشد، تأخیر جلسه اتفاق می افتد و گویبی فرصت جلسه اول هنوز باقی است. در مواردی نیز تغییر نحوه دعوا ممکن است تحت شرایطی باعث شود که دادگاه نتواند به سبب جدید رسیدگی کند و چاره ای جز صدور قرار رد یا عدم استماع دعوا نباشد. علاوه بر این، پس از پذیرش افزایش خواسته، خواهان باید مبلغ تفاوت هزینه دادرسی به میزان افزایش یافته را در مهلت مقرر پرداخت نماید و خواسته جدید ملاک قابلیت شکایت از رأی خواهد بود، و اگر تغییر نحوه دعوا در ماده ۹۸ را به تغییر سبب تفسیر کنیم، تغییر سبب نیز باعث می شود که خواهان به تمامی آثار سبب جدید ملتزم شود.

با توجه به اهمیت تغییر دعوا و کاربرد فراوان آن در دستگاه قضایی ایران، ضروری است قانون گذار با بازنگری در قوانین موضوعه، احکام آن را به تفصیل بیان نماید و به اختلاف نظرات موجود در این زمینه پایان دهد.



## فهرست منابع

۱. احمدی، نعمت، **آیین دادرسی مدنی**، تهران: انتشارات اطلس، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲. امامی، محمد و دریائی، رضا؛ کربلائی آقازاده، مصطفی، **دعوی اضافی**، مجله مطالعات حقوقی، ۱۳۹۲، دوره پنجم، شماره سوم.
۳. بهشتی، محمدجواد و مردانی، نادر، **آیین دادرسی مدنی**، جلد دوم، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۴. پوراستاد دکتر مجید، **اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی (ترجمه)**، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵. پورطهماسبی فرد، محمد و محسنی، حسن، **اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا**، نشریه کانون وکلای پاییز ۱۳۸۴، شماره صد و نود.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۷.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **دانشنامه حقوقی**، جلد سوم، تهران: گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.
۸. جعفری تبار، حسن، **مبانی تفسیر فلسفی حقوقی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۹. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ.ق.
۱۰. جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)**، جلد سیزدهم، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
۱۱. حائری شاه باغ، سید علی، **اصول آیین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات معرفت، چاپ اول، ۱۳۳۴.
۱۲. حکیمی تهرانی، محمد مهدی، **بازکاوی جلسه دادرسی و مفاهیم مشابه آن در قوانین**، نشریه دانش پژوهان دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۸، شماره پانزدهم.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، جلد پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهلم، ۱۳۷۳.
۱۴. زراعت، عباس، **قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی**، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۵.



۱۵. سنگلجی، محمد، **آیین دادرسی در اسلام**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
۱۶. شمس، عبدالله، **آیین دادرسی مدنی**، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹.
۱۷. شمس، عبدالله، **آیین دادرسی مدنی**، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۹.
۱۸. شمس، عبدالله، **آیین دادرسی مدنی**، جلد اول، تهران: انتشارات دراک، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹.
۱۹. صدر زاده افشار، سید محسن، **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲۰. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶.
۲۱. غمامی، مجید و محسنی، حسن، **اصول آیین دادرسی مدنی فراملی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، **اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی**، تهران: نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۲۳. کریمی، عباس، **جزوه درسی آیین دادرسی مدنی ۲**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۷.
۲۴. متولی، عباس، **اولین جلسه دادرسی**، ماهنامه دادرسی، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، شماره دوازدهم.
۲۵. متین دفتری، احمد، **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد اول، تهران: انتشارات مجد، چاپ سی ام، ۱۳۸۱.
۲۶. محسنی، حسن، **مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی**، نشریه کانون وکلا بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره صد و نود و دوم و صد و نود و سوم.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی، **مباحثی از اصول فقه**، دفتر اول، تهران: انتشارات اندیشه های نو، چاپ ششم، ۱۳۶۹.
۲۸. محمدی، ابوالحسن، **مبانی استنباط حقوق اسلامی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.
۲۹. مدنی، سیدجلال الدین، **آیین دادرسی مدنی**، جلد دوم، تهران: گنج دانش، چاپ



- اول، ۱۳۷۲.
۳۰. مسیحی، مهرزاد، قانون آیین دادرسی مدنی در آیینہ آرا و رویہ قضایی، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نشر فرهنگ نما، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
۳۲. مهاجری، علی، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، تهران: نشر فکر سازان، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۳۳. مولودی، محمد، دعوی اضافی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۱، شماره پنجاه و هشتم.
۳۴. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۳۵. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.